



## مطالعه تفاوت های فردی دانش آموزان در برنامه ملی شهاب

نادیا عمویور

آموزگار پایه چهارم ابتدایی . مدرسه غیر دولتی دخترانه ترلک بندرانزلی

nadiya.roja27@gmail.com

### چکیده:

تمایل به اختصاص دادن منابع کافی برای پرورش و آموزش دانش آموزان هم نشان جامعه متمدن و هم نوعی سرمایه گذاری برای آینده است. در این میان دانش آموزانی که توانایی، استعداد و ویژگی ذاتی برتری نسبت به دیگر دانش آموزان در یک مقطع تحصیلی دارند، نیازمند به مراقبت های آموزشی و پرورشی می باشند. برنامه ملی شهاب، مأموریت شناسایی، هدایت و حمایت آموزشی، تربیتی و معنوی صاحبان استعدادهای برتر از دوره ابتدایی تا پایان دوره آموزشی متوسطه و زمینه سازی برای استمرار حمایت ها در مراحل مختلف آموزش عالی را بر عهده دارد. و آنچه که حائز اهمیت می باشد تفاوت های فردی دانش آموزان است. آری، بایستی به تفاوت های فردی تک تک دانش آموزان توجه داشته باشیم تا به درک درست نسبت به شناسایی و هدایت استعدادهای برتر دست یابیم. برنامه ملی شهاب بیشتر به تفاوت های فردی دانش آموزان توجه دارد. مطالعه صحیح و اصولی تفاوت های فردی به معلمان کمک می کند تا درک درستی از تفاوتها داشته باشند و از تفاوتها در جهت شکوفایی بهره ببرند بنابراین، بایستی طرح شهاب که به عنوان برنامه ملی شهاب از آن یاد می شود را تخصصی تر به اجرا درآورد. پرورش استعدادهای برتر و سرآمد و ایجاد ساز و کارهای مناسب برای رشد و بالندگی دانش آموزان به عنوان سرمایه های ملی و خدادادی می تواند جزو یکی از اهداف برجسته برنامه ملی شهاب عنوان کرد. برای رسیدن به اهداف اساسی برنامه ملی شهاب بر این باور بودم که به تفاوت های فردی دانش آموزان بیشتر توجه داشته باشم. بنابراین، هدفهای رفتاری پیش از تدریس با توجه به گویه های مربوطه تهیه و تنظیم نمودم تا بتوانم زیر بنای تدریس خویش را معطوف به مطالعه تفاوت های فردی دانش آموزان بدانم.

**واژگان کلیدی:** تفاوت های فردی، استعداد، دانش آموزان، برنامه ملی شهاب، مشاهده



ISC  
دارلده مجور  
۹۶۱۷-۱۲۸۰۲



مقدمه:

## شخصیت و تفاوت‌های فردی:

دکتر لیزا الیوت در سال ۱۹۹۹ معتقد بود که «ما با انواع مهارت‌ها و استعداد‌های ذهنی و توانایی‌هایی که به طور بی نظیر و متناسب با نیازهای حیاتی زندگی اولیه اند به دنیا می‌آییم». بین انسان‌ها هم شباهت وجود دارد و هم تفاوت؛ اما آیا به این موضوع اندیشیده‌اید که شباهت‌ها بیشتر است یا تفاوت‌ها؟ در زندگی روزمره، شباهت‌ها بیشتر به چشم می‌آیند یا تفاوت‌ها؟ آیا شباهت‌ها و تفاوت‌ها ذاتی هستند یا اکتسابی؟ نکته مهم‌تر آن که، درک این شباهت‌ها و تفاوت‌ها چه تأثیری در زندگی فردی و اجتماعی ما دارد؟ هر یک از ما، هم با شباهت‌هایمان شناخته می‌شویم و هم با تفاوت‌هایمان، اما «هر انسانی از بعضی جنبه‌ها شبیه همه‌ی انسان‌های دیگر است، شبیه بعضی از انسان‌های دیگر است و شبیه هیچ انسان دیگری نیست». شباهت‌ها و همه‌ی انسان‌های دیگر، شامل اصول کلی روان‌شناختی از قبیل یادگیری، ارتباط، رشد و کارکردهای مشابه اعضای بدن است. وجه اشتراک او با بعضی از افراد دیگر، شامل عواملی نظیر: جنس، سن و زمینه‌های نژادی است؛ و سرانجام نوع زندگی و شیوه‌های رفتاری هر فرد شامل «عناصر یگانه‌ای» است. این عناصر، تجارب شخصی، تاریخچه زندگی و چگونگی رویدادهایی که در جریان رشد او به وقوع پیوسته‌اند را در بر می‌گیرد. (شکل‌تون و فلچر، ترجمه کریمی و جمهری، ۱۳۷۴)

اگر شباهت‌ها نقش زیادی در جامعه‌پذیری و کسب هویت اجتماعی دارند، اما واقعیت این است که تفاوت‌ها بیش از شباهت‌ها معرف شخصیت هر انسان هستند حتی شخصیت بر مبنای تفاوت‌ها تعریف می‌شود. در کتاب زمینه روان‌شناسی هلیگارد (اتکینسون و دیگران، ترجمه براهنی و دیگران، ۱۳۸۷) «شخصیت» به عنوان الگوی متمایز و اختصاصی اندیشه هیجان و رفتار فرد که سبک تعامل وی با محیط‌های فیزیکی و اجتماعی را مشخص می‌سازد، تعریف شده است. بر این اساس، یکی از اولین وظایف روانشناسی شخصیت توصیف تفاوت‌هایی است که مردم را از یکدیگر متمایز می‌کند. این مفهوم از شخصیت و درک تبعات آن، از جمله موضوع تفاوت‌های فردی، برای کسانی که با تربیت سروکار دارند، بسیار مهم است. (مجدفر و همکاران، ۱۳۹۴)

## رشد توانایی حل مسئله:

مطالعه شناخت کودک، یعنی مطالعه فرآیند چگونگی و چسبندگی یادگیری و فهم در او، به ما کمک می‌کند تا بفهمیم بزرگسالان چگونه فکر می‌کنند و چگونه با دیگر افراد و اشیاء تعامل برقرار می‌کنند. (بریجت گیلز، ترجمه مهری نژاد و پورجهان، ۱۳۹۱) حل مسئله اصطلاحی است که روان‌شناسان برای توصیف توانایی فرد در رویارویی با موقعیت پیچیده‌ای به کار می‌برند که دستیابی به هدف معین مستلزم تلاش ذهنی و ابتکار است. اگر چه بعضی از حیوانات می‌توانند مسائلی را حل کنند، ولی ظاهراً توانایی حل مسئله پیچیده یکی از ویژگی‌هایی است که انسان را از حیوان متمایز می‌سازد. فرآیندهای استدلالی که فرد برای حل مسئله به کار می‌برد از بزرگترین علایق روان‌شناسان است که هدف اصلی آن نشان دادن ماهیت هوش است. حل مسئله یعنی پیدا کردن راهی برای دستیابی به موضوعی که



سریعاً قابل دسترسی نیست. در طول دورانی که کودک مراحل پیش دبستانی و دبستان را می گذراند، تدریجاً توانایی حل مسئله پیچیده را نیز به دست می آورد. به عقیده برخی روان شناسان این مهارت ها در مراحل مشخص و متمایز رشد می کند. در حالی که به نظر برخی دیگر این مهارت ها به صورت تدریجی و طبیعی رشد می کنند.

برای آزمایش این نظریه ها محققان آزمایش های گوناگونی را طراحی نموده اند که مراحل حل مسئله را مشخص می کند. این روش ها مستلزم استفاده از قیاس، استدلال منطقی، برنامه ریزی و به کارگیری همه ی روش های رسیدن به یک نتیجه از طریق توجه به یک موضوع یا مفهوم برحسب موضوع دیگر است. آزمایش های دوستی بیشتر و بهتر نشان می دهد که کودک برخی مهارت ها را برای حل مسئله زودتر از آنچه روان شناسان حدس می زنند، کسب می کند.

توانایی حل مسئله در انسان ها بیش از دیگر جانداران است. در حقیقت انسان از حل مسئله به خاطر خود حل مسئله لذت می برد. برای مثال مکعب روبیک را، که سرگرمی محبوب مردم دنیا در دهه ۱۹۸۰ بود، در نظر بگیرید. این مکعب تشکیل شده است از تکه های کوچک در ۶ رنگ مختلف که می توانند در جهات مختلف بچرخند. این مکعب ها باید آن قدر چرخانده شوند تا یک وجه مکعب کاملاً یک رنگ شود. تعداد ترکیبات آنقدر زیاد است که اگر برای هر حالت یک مکعب در اختیار داشته باشیم می توانیم کل سطح زمین را با مکعب بپوشانیم. با این وجود، کسانی نیز هستند که می توانند مکعب روبیک را در ۳۰ ثانیه حل کنند. مکعب روبیک ماهیت مسئله را مشخص می کند ولی آزمون خوبی برای آزمون مهارت های کودکان، ( و از جهاتی بزرگسالان) نیست، چرا که بسیار پیچیده است. محققان باید برای تشخیص توانایی حل مسئله در کودکان آزمایش هایی از آن ها در محیط عادی بگیرند. و این کارکردهای آزمایشی باید طوری طراحی شوند که نشان دهند کودکان برای حل مسئله چه مراحل و فرآیندهایی را طی می کنند و به کار می برند و این مراحل در طول زمان چگونه گسترش می یابند. (بریجت گیلز، ترجمه مهری نژاد و پورجهان، ۱۳۹۱)

مثال فوق یکی از تکالیف استعدادی در طرح شهاب می باشد. بنابراین، در برنامه ملی شهاب که جزو سند بنیادین آموزش و پرورش می باشد. به دنبال گسترش دادن توانایی حل مسئله در دانش آموزان هستیم. این طرح، طرحی عدالت محور بوده و می خواهد زمینه را برای شکوفایی استعدادها و رشد توانایی های صاحبان استعدادهای برتر در تمامی نقاط کشور فراهم آورد. چرا که هوش و استعداد موهبتی نیست که تنها به قشر و طبقه ی خاصی عطا شده باشد. پس مساله اساسی در برنامه ملی شهاب تفاوت های فردی دانش آموزان می باشد که، بیشتر به چشم می خورد. از طرفی مشاهده اصولی و علمی بر پایه ی علم روان شناسی می باشد و همین امر مشاهده مطالعه کتب روان شناسی را پررنگ تر می کند. معلمی موفق است که توجه به تفاوت های فردی دانش آموزان در کلاس درس داشته باشد. و این توجه به تفاوتها باعث شود که درک درست از شباهت رفتاری دانش آموزان داشته باشد. همیشه و در همه حال وجود برنامه ها و معیارها در امر آموزش سودمند بوده است. برنامه ملی شهاب بستر توجه و اهمیت قرار دادن به امر تفاوت های فردی و شناسایی و رشد استعدادها و عدالت آموزشی را فراهم می کند.



به جرأت می توان گفت زمانی که در کلاس درس ارتباطی درست بین یادگیرنده و یاددهنده به وجود آید و تمامی تلاش به شناسایی استعدادها و رشد توانایی ها بوده باشد و آموزش کامل و دقیق بدون هیچ گونه قصد و نیتی در کلاس اجرا شود مطمئناً آموزش مفید و پایداری شکل گرفته است تا بتوانیم وجدان استعدادهای برتر را بهتر شناسایی کنیم. اما زمانی که به تفاوت های فردی دانش آموزان توجهی نداشته باشیم مسلماً امر در آموزش و اجرای تدریس با مشکلاتی مواجه می شویم.

### پردازش اطلاعات:

روان شناسی تفاوت های فردی ویژگی های مشترک همه ی آدمها را بررسی می کند. به درستی که رفتاری که در خوشی یا ناراحتی انجام می دهیم متفاوت است. بر طبق نظریه پیازه جنبه هایی از حل مسئله که نیازمند تفکر منطقی است تا هفت سالگی در کودکان ظاهر نمی شود. درک فراشناختی (فکر کردن در مورد تفکر) تا یازده سالگی قاعداً ظاهر نمی شود. با وجود این تحقیقات بعدی نشان داد که نوعی از توانایی ها که برای حل مسئله لازم است، در سنین پایین تر از آنچه پیازه پیش بینی کرده بود، رشد می کنند. (بریجت گیلز، ترجمه مهری نژاد و پورجهان، ۱۳۹۱)

پیاژه معتقد است که کودکان سریعاً یاد می گیرند که عواطف خود را کنترل یا تنظیم کنند. و این کار را عمدتاً از طریق تعاملات اجتماعی با دیگر افراد به خصوص والدین، خواهران و برادران و همسالان انجام می دهند. تفاوت های فردی زیادی در مزاج فرد از نوزادی تا پایان عمر او وجود دارد. در بسیاری از جانوران وابستگی شدیدی بین مادر و فرزند شکل می گیرد. در انسان ها این وابستگی به صورت سیستم پیچیده روابط بادوام و قابل انعطاف است. (بریجت گیلز، ترجمه مهری نژاد و پورجهان، ۱۳۹۱)

بنابراین، به منظور اجرای مناسب برنامه ملی شهاب بهتر است که اطلاعات بر پایه ی علم روان شناسی باشد. برای آنکه کودکان از زندگی لذت ببرند، استعدادهایشان کاملاً شکوفا بشود و به بزرگسالانی مسئول و کوشا تبدیل شوند، باید تمامی نیازهای جسمانی، عاطفی، اجتماعی و عقلانی آنان برآورده شود. بدین منظور ۵ فرض اصلی را می توانیم جزو بهتر اجرا کردن برنامه ملی شهاب در نظر داشته باشیم: ۱. محیط از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، ۲. سال های آغازین زندگی برای رشد بعدی فوق العاده حیاتی اند، ۳. تفاوت های فردی آشکاری در میزان و سرعت رشد کودکان وجود دارد، ۴. تحول آموزشی، عاطفی، اجتماعی و عقلانی کودکان را می توان سرعت بخشید، ۵. کاربرد راهکارهای بسیار موفق در زمینه بهداشت جسمی، می تواند در این زمینه جنبه های تحولی نیز کاملاً سودمند واقع شود. (پرینگل، ترجمه ایجاد و شافعی مقدم، ۱۳۸۶)

آری، برنامه ملی شهاب باعث گردید که عمیق تر رفتارهای دانش آموزان را بررسی کنیم تا بتوانیم در زمینه استعداد اجتماعی و استعداد فضایی بهتر اظهار نظر کنیم و از طرفی با مشاهده و شناسایی استعدادهای دیگر بتوانیم یک دانش آموز از ۸ حوزه ی استعداد مورد مطالعه و ارزیابی قرار دهیم.



## بیان مسأله:

## یک فرایند پویا:

کارمیلوف - اسمیت (۱۹۹۲)، برخلاف «فودرو» عقیده دارد که رشد شناخت کودک فرایندی پویا است. شاید کودکان با آمادگی ذاتی برای یادگیری به دنیا بیایند ولی این فقط بخش کوچکی از یک فرآیند بزرگ تر توسعه قلمروهای مختلف دانش است، همانند باز شناسی اشیاء و طبقه بندی مجموعه ای از اشیاء همونوع و برقراری ارتباط با استفاده از زبان. کودکان از هنگام تولد توانایی های شناختی مانند حرکت، تشخیص شکل های چهره و شناختن صداها را کاملاً نشان می دهند. در ابتدا این مهارت ها بی ربطند ولی رفته رفته در قلمروهای مختلف دانش شروع به همکاری می کنند. تحصیلات و بازی، تأثیر گرفته از فرهنگی که کودکان در آن زندگی می کنند نحوه تعامل قلمروهای مختلف را شکل می دهد. (بریجت گیلز، ترجمه مهری نژاد و پورجهان، ۱۳۹۱)

## اصول و سیاست های برنامه ملی شهاب:

حال، در مدرسه در جایگاهی که دانش آموزان می توانند بیاموزند، می طلبد که این آموزش اصولی و هدفدار بوده باشد. بنابراین در برنامه ملی شهاب به دنبال شناسایی آن دسته از دانش آموزان با استعدادی هستیم که به دلیل ناآشنایی خانواده یا معلمان و مربیان با ویژگی های کودکان با استعداد به صورت ناشناخته باقی مانده اند، یا به دلیل عدم امکان دسترسی به فرآیندهایی همچون جشنواره ها و غیره نتوانسته اند استعداد و توانایی های خود را به نهادهای نخبگانی عرضه نمایند. مقصود از استعداد در این طرح صرفاً استعداد تحصیلی و تیز هوشی نیست، بلکه توانایی برجسته در هر یک از حوزه های استعدادی ریاضی، هنری، فضایی، زبانی، حرکتی، علوم تجربی، اجتماعی و فرهنگ دینی است. به همین خاطر است که استفاده از آزمون ها و ابزارهایی که صرفاً به سنجش هوش و استعداد تحصیلی می پردازند، به کار این طرح نیامده و افراد شناسایی شده نیز لزوماً دانش آموزان درس خوان و پرحافظه مدرسه نخواهند بود. همچنین، ویژگی هایی چون خلاقیت، علاقه شخصی، پشتکار و جستجوگری نیز مورد توجه و رصد قرار خواهند گرفت.

فرآیندهای شناسایی و هدایت دانش آموزان با استعداد برتر در محیط مدرسه، با محوریت معلم، دبیران و دیگر عوامل آموزشی و تربیتی و بدون جداسازی از کلاس و مدرسه شان صورت می پذیرد. بنابراین افراد شناسایی شده در بستر زندگی معمول و تحصیل عادی



خود، مسیر تعالی اختصاصی خود را در پیش می گیرند. بر اساس این نکته معلم در هر دو بُعد شناسایی و هدایت نقشی اساسی و محوری خواهد داشت.

در برنامه ملی شهاب علاوه بر ایجاد فرصت های بیشتر برای شناسایی دانش آموزان مستعد و امکان ارزیابی های طولی مبتنی بر مشاهدات در مقاطع زمانی متعدد فراهم می کند، از آسیب های روانی و فشارهای اجتماعی آزمون های مقطعی سنجش هوش و استعداد و دیگر عوارض منفی آن همانند فضای رقابتی، فعال شدن موسسات سودجو و کلاسهای آمادگی آزمون شهاب و ... نیز جلوگیری می نماید. تمام تلاشمان بر این است که تمامی دانش آموزانمان در برنامه ملی شهاب دیده شوند. در صورتی که دانش آموزی در یک دوره شناسایی به عنوان دانش آموز مستعد تشخیص داده نشد، این گونه ارزیابی امکان را فراهم می آورد که در دوره های بعد دوباره بر اساس رفتارها و فعالیت هایش مورد ارزیابی قرار گیرد.

هدف غایی طرح شهاب، شناسایی و هدایت افراد مستعد در مسیر نخبگی، برداشتن موانع احتمالی و ایجاد زمینه مناسب برای حرکت آنان در این مسیر است. بر این اساس، اعطای مزایای مادی به خاطر برخورداری از استعداد برتر، ارائه رتبه یا درجه برتری به دانش آموزان و یا هر فعالیت مشابه که زمینه ساز خود برتر بینی در افراد شناسایی شده، ایجاد اضطراب درونی و فشار بیرونی بر دانش آموزان و یا یاس و سرخوردگی در افراد شناسایی نشده گردد با هدف غایی طرح همخوانی ندارد. دانش آموزانی که در این طرح شناسایی می گردند، از هیچ گونه امتیاز و یا اولویت مادی ( همانند جایزه، مقرری و ...) و تحصیلی ( همانند امتیاز پذیرش در مدارس نمونه و استعدادهای درخشان، کلاس های آمادگی کنکور، ورود به دانشگاه بدون کنکور و...) برخوردار نخواهند شد و تنها در راستای شکوفایی استعداد خویش، تحت هدایت و تربیت علمی و معنوی قرار می گیرند. به بیان دیگر، این طرح در بُعد شناسایی، به دنبال کشف حداکثری دانش آموزان واجد استعداد برتر است و در بُعد هدایت و حمایت، به دنبال آن است که با رفع موانع احتمالی و راهنمایی این دانش آموزان نسبت به مسیر صحیح شکوفا نمودن استعدادهای خویش، آنان را در پیمودن درست مسیر نخبگی یاری کند.

برخورداری از استعداد برتر، موهبتی خدادادی است که تکالیفی برای فرد و اطرافیان به دنبال خواهد داشت. نگاه مجریان طرح به واجدان استعداد برتر باید بر اساس این اندیشه شکل گرفته و کلیه اقدامات هدایتی و حمایتی از این زاویه انجام پذیرد. بخش عمده ای از فرایند هدایت واجدان استعداد برتر به صورت معرفی آنان به مراکز و مجموعه های فعال در حوزه استعدادی آنان یا مرتبط نمودن آنان با اشخاص کارآزموده و خیره در آن حوزه، تحت نظارت بنیاد ملی نخبگان و وزارت آموزش و پرورش انجام می پذیرد. بدین ترتیب، در صورتی که دانش آموز شناسایی شده، واقعاً واجد استعداد برتر در آن حوزه بوده و از علاقه و پشتکار کافی برای پیمودن مسیر نخبگی نیز برخوردار باشد، برای شکوفایی و به فعلیت رساندن حداکثری استعداد خود تلاش خواهد نمود و در صورتی که به هر یک از دلایل مانند: الف) عدم برخورداری از استعداد مناسب، ب) بی علاقهگی، ج) نبود پشتکار، فعالیت در آن حوزه را ادامه ندهد، به صورت طبیعی از فرایندهای هدایتی طرح شهاب که از آن به عنوان برنامه ملی شهاب یاد می شود، خارج خواهد شد.



محوریت معلم و عوامل آموزشی و پرورشی در شناسایی و هدایت استعدادهای برتر اقتضا می نماید که آشنایی و آموزش معلمان، عوامل مدرسه و دیگر افراد درگیر با این طرح ( از خانواده ها گرفته تا مسئولان ستادی، از مهمترین ضرورتهای اجرای موفق این طرح به شمار رود). این آموزش علاوه بر آن که مهم ترین مباحث علمی و کارشناسی مورد نیاز در فرآیندهای شناسایی و هدایت را به این افراد منتقل می نماید. نگرش آنان را نیز نسبت به این طرح اصلاح نموده و از پدید آمدن انتظارات و توقعات بی جا و یا آسیب های متداول در جریان پرورش استعدادهای برتر جلوگیری می نماید. رسانه ای نشدن استعدادهای برتر و حفظ اطلاعات آنان از ضروریات رشد فرد در بستر طبیعی خود و نیز از مهم ترین عوامل جلوگیری از آسیب های اجتماعی، روانی و امنیتی برای این افراد است که می بایست مورد اهتمام تمامی دست اندرکاران طرح باشد. (مجدفر و همکاران، ۱۳۹۴)

بنابراین، برنامه ملی شهاب که به شناسایی و هدایت استعدادهای برتر بر پایه تفاوت های فردی مورد بررسی قرار میگرد. بدین منظور برگه مقیاس ارزیابی استعداد دانش آموزان که در واقع ارزیابی آموزگار است با ۸ استعداد که شامل ( استعداد کلامی، استعداد ریاضی، استعداد هنری، استعداد فضایی، استعداد حرکتی - ورزشی، استعداد اجتماعی، استعداد فرهنگ دینی، استعداد علوم تجربی) در راستای ۸۰ گویه توانایی و تفاوت های فردی دانش آموزان را از طریق مشاهده بر پایه ی علم روان شناسی ارزیابی می کند. از طرفی شیوه نمره گذاری بدین ترتیب بود که به هر یک از استعدادها، ۱۰ گویه از پرسش نامه اختصاص یافته است. حاصل جمع امتیازات مربوط به هر استعداد را بر تعداد گویه های مربوط به آن استعداد (عدد ۱۰) تقسیم می کنیم تا میانگین امتیاز دانش آموز در آن استعداد به دست آید. در صورتی که آموزگار در مقابل یک یا تعدادی از گویه ها، هیچ گزینه ای را علامت نزده باشد، این تعداد ( با عنوان داده های گم شده، یا گویه های سفید) از مخرج کسر کم می شود. اگر بیش از ۴ گویه مربوط به یک استعداد علامت نخورده باشد، محاسبه امتیاز برای آن استعداد مجاز نیست. سپس امتیاز مربوط به هر استعداد را محاسبه و در جدول مربوط ثبت می کردیم. در این راستا، ۸۰ گویه عنوان شده که به نظر بنده به صورت کلی عنوان شده بود. که این کار مشاهده بر تفاوت های فردی را سخت تر میکند. از آنجائیکه برای رسیدن به هر هدفی یک فکر یا ایده ای وجود دارد. بهتر دانستم در برنامه ملی شهاب برای تمرکز بیشتر معلم در کلاس درس به سه هدف رفتاری در تدریس توجه داشته باشم. همان طور که در کتاب روشهای فنون تدریس مطالعه داشته ایم، برای امر آموزش سه هدف رفتاری شامل: هدفهای رفتاری پیش از تدریس، هدفهای رفتاری ضمن تدریس و هدفهای رفتاری پس از تدریس را در ذهنمان بایستی به خاطر بسپاریم. از آنجائیکه زیربنای مشاهده دقیق رفتاری در ۸۰ گویه هدفهای رفتاری پیش از تدریس بوده است به این باور رسیدم که برای گویه ها یا استعدادها هدفهای رفتاری پیش از تدریس تهیه کنم تا بتوانم رفتار دانش آموزان را جزء به جزء مورد ارزیابی قرار دهم. با مطالعه کتب روان شناسی رشد، روانش شناسی تربیتی و... هدفهای رفتاری پیش از تدریس با توجه به هوش هشت گانه گاردنر را تهیه نمودم که از رهنمودهای مدرس دوره طرح شهاب آقای محمود خلیلی نژاد بسیار استفاده کرده که ایشان در این امر بنده را راهنمایی نمودند. که سرانجام هدفهای رفتاری پیش از تدریس به صورت بخشنامه با عنوان هدفهای رفتاری پیشنهادی به تمام مدارس شهرستان بندرانزلی ارسال گردید و این امر مهم کار مشاهده در کلاس توسط معلم را تسهیل بخشید.



## درآمدی بر شناسایی:

اگر از شما به عنوان یک معلم، خواسته شود تا درباره سطح استعداد، هوش و توانایی ذهنی دانش آموزان خود قضاوت کنید، آیا این کار را انجام می‌دهید؟ در این صورت چه معیارهای برای داوری خود دارید؟ این معیارها تا چه اندازه درست و منطقی هستند و تا چه حد، احتمال خطا در آن‌ها وجود دارد؟

تفاوت‌های فردی یکی از مباحث مهم و جالب روان‌شناسی رشد است. این که هر انسانی منحصر به فرد است و به راحتی نمی‌توان بین دو نفر اشتراکات یکسانی را به ویژه در مسائل یادگیری و رشد ذهنی و روانی جست و جو کرد، موجب می‌شود تا کار آموزش و پرورش به حرف‌های پیچیده و در برخی موارد غیر قابل پیش‌بینی تبدیل شود. این در حالی است که اگر قرار بود مطالبی را به یک شیوه معین به افرادی آموزش دهیم که اطمینان داشته باشیم همگی در یک سطح از آموخته‌ها تا زمان یاد شده هستند، و یا این که همه آن‌ها می‌توانند به یک شیوه از مسیر یادگیری بهره‌برند و به نتیجه برسند، در این صورت، تعلیم این افراد بسیار ساده و آسان می‌بود. آنچه که موجب دغدغه و نگرانی صاحبان امر حوزه تعلیم و تربیت می‌شود، پیچیدگی‌های ناشی از ناهمسان بودن شرایط هر فرد با دیگری در مسیر رشد و تعالی خویش است.

با این نگاه، هر گونه ساده‌انگاری در خصوص آموزش و تربیت و نیز تلاش برای یکسان‌سازی شیوه‌های اجرای آموزش برای یادگیرندگان، دارای آسیب‌ها و لطمات فراوانی خواهد بود. این امر به ضرورت شناسایی افراد و تلاش برای تناسب‌سازی شیوه‌های رویارویی آن‌ها با مسیر یادگیری و پرورش تأکید می‌کند. بر این اساس، بهره‌گیری از روان‌شناسی تفاوت‌های فردی گریزناپذیر است. روان‌شناسی تفاوت‌های فردی، به دنبال شناسایی و مطالعه تفاوت‌های افراد است که می‌تواند متأثر از وراثت و نیز محیط باشد. ابزارها و شیوه‌های گوناگونی برای تشخیص درست تفاوت‌ها و شناسایی ویژگی و توانایی افراد وجود دارد که از آن جمله می‌توان به مشاهدات حرفه‌ای و آزمون‌ها اشاره کرد.

این در حالی است که اغلب نقدها و قضاوت‌ها در مورد ویژگی افراد و به ویژه دانش آموزان، قالبی تجربی دارند و بزرگترها (گاه والدین و گاه معلمان) این نتایج را در اثر مقایسه آن‌ها با دیگر افراد به دست می‌آورند. (مجدفر و همکاران، ۱۳۹۴)

بنابراین، معلم با مطالعه روانشناسی رشد در زمینه تفاوت‌های فردی دانش آموزان علمی‌تر می‌تواند در مورد میزان یادگیری و حتی علت خوب یاد نگرفتن دانش آموزان توجه داشته باشد. در برگیره مقیاس ارزیابی استعداد دانش آموز در قسمت مشخصات دانش آموز، شغل پدر و مادر و میزان تحصیلات پدر و مادر و... ذکر شده است. لذا، معلم باید علاوه بر اینکه بنای مشاهده خود را در راستای تفاوت‌های فردی دانش آموزان قرار داده است بایستی در کنار آن به شغل پدر و مادر و میزان تحصیلات پدر و مادر و همچنین جدایی پدر و مادر و اینکه نحوه زندگی دانش آموز به چه صورت می‌باشد را مورد توجه قرار دهد. بدین منظور، در برنامه ملی شهاب پرسش نامه‌ای برای شناسایی استعدادهای مختلف دانش آموزان تدوین شده است. معلم بر اساس مشاهدات و شناخت خود از رفتار و ویژگی‌های دانش آموزان





و دادن تکالیف استعدادی (البته دادن تکالیف استعدادی نشانه معیار مثبت یا منفی برای حوزه استعدادی نمی باشد بلکه به کار مشاهده معلم کمک شایانی می کند) می تواند استعداد او را در هشت حوزه تعیین شده ارزیابی کند. نکته مهم و برجسته این است که اعتبار این ارزیابی به دقت و صداقت معلم وابسته است.

### تحول آموزشی:

شواهد نشان میدهد کودک در نه سالگی، تقریباً نیمی از توانایی تحصیلی ای را که باید تا سن هیجده سالگی به دست آورده باشد، کسب کرده است. در هر حالت، توانایی پاسخ دهی به تعلیم و تربیت و بهره جویی از آن، به طور حتم به میزان بلوغ فکری، زبانی و عاطفی کودک بستگی دارد. بنابراین، باز هم مشاهده می کنیم که تجربه سالهای پیش دبستانی، تأثیر حیاتی در پیشرفت تحصیلی آتی کودک دارد. یافته های موسسه مطالعه ملی رشد کودک نشان می دهد که حتی در هفت سالگی، تفاوت های آشکاری، در پیشرفت های تحصیلی کودکان وابسته به پنج گروه شغلی که در سرشماری کل جمعیت، مورد استناد قرار می گیرند، وجود دارند، طی چهار سال بعدی، این تفاوت در پیشرفت تحصیلی گسترش بیشتری پیدا می کند. در مورد کودکانی که به دور از خانواده هایشان زندگی می کرده اند، تحقیقات نشان داده که هر چه نخستین جدایی کودک از خانواده در سنین کمتری صورت گرفته و تماس پدر و مادر با کودک کمتر باشد، دشواری های تحصیلی این کودکان شدیدتر است. ( پرننگل، ترجمه ایجاد و شافعی مقدم، ۱۳۸۶ )

### اهمیت و ضرورت موضوع:

طرح شناسایی و هدایت استعدادهای برتر (طرح شهاب) در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در بند ۱۶ از بیانیه ارزش ها، بیانیه مأموریت، بند ۳ از هدف های کلان، چشم انداز، راهکار ۳ در هدف عملیاتی ۲۱، هدف عملیاتی ۱۶، راهکار ۷ از هدف عملیاتی ۵، راهبرد ملی ۲ از راهبرد کلان ۱، سند راهبردی کشور در امور نخبگان و همچنین اصول ۷ و ۱۱ از اصول ناظر بر برنامه های درسی و تربیتی در سند برنامه درسی ملی، «عدالت آموزش» و « شناسایی و رشد استعدادهای فراگیران » ((توجه به تفاوت ها)) و ((رعایت انعطاف پذیری در برنامه های درسی و تربیتی)) به عنوان یک وظیفه مسلم پیش روی نظام آموزش و پرورش قرار گرفته است و دست اندرکاران تعلیم و تربیت را موظف می نماید تا به افراد مختلف متناسب با استعدادهای و توانایی های بالقوه و بالفعل شان در حد امکانات و محدودیت های موجود ارائه خدمات نماید، تا بتوانند توانایی های خود را به فعلیت در آورده و استعدادهای شکوفا شده را در جهت مناسب هدایت کنند.

از زاویه ای دیگر، استعدادهای برتر امروز، به طور بالقوه نخبگان آینده یک جامعه هستند که در صورت شناسایی به موقع و هدایت صحیح می توانند ضمن شکوفایی و موفقیت فردی، در بهبود و پیشرفت وضعیت جامعه نیز ایفای نقش نمایند. این امر مسئولیت نظام آموزش و پرورش و متولیان آن را در قبال این افراد دو چندان می کند. همچنین توجه به تفاوت های فردی باعث می شود که معلم بداند هر دانش آموز به میزان توانایی و استعداد خویش ظرفیت چه مقدار یادگیری را دارد تا بتوانیم در جهت درست آن را هدایت کنیم.



رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی، با اشاره به اهمیت «شناسایی استعدادهای برتر» آن

را مقدم بر «شناسایی نخبگان» دانسته و این گونه می فرماید:

« ما مسئله شناسایی نخبه را داریم. پیش از شناسایی نخبه، شناسایی استعداد برتر را داریم که در طول زمان تبدیل به نخبه خواهد شد. چون هر صاحب استعداد برتر که نخبه نیست به تدریج به نخبه تبدیل می شود. پس اول شناسایی استعداد برتر است. بعد مسیر این صاحب استعداد برتر به سمت نخبه شدن، بعد رسیدن به نقطه ثمردهی که در واقع همان نقطه نخبه شدن است که معمولاً در مقطع تحصیلات تکمیلی کارشناسی ارشد و دکتری یک چنین چیزی پیش می آید و این جوان به نخبه تبدیل می شود...»

طرح شهاب در آموزش و پرورش عبارت است از «کشف و شناسایی، جذب، هدایت و حمایت تحصیلی، تربیتی و معنوی صاحبان استعدادهای برتر از دوره ابتدایی تا پایان دوره آموزش متوسطه و زمینه سازی برای استمرار حمایت ها در مراحل مختلف آموزش عالی» (مجدفر و همکاران، ۱۳۹۴)

به گفته توماس هاکسلی زیست شناس انگلیسی قرن نوزدهم: «افراد روش های متفاوتی برای ادامه زندگی دارند». شایسته است برای تشخیص مناسب تر و کامل تر از تفاوت های فردی، به دسته بندی استعدادها که نمایی از تعاریف و مقاصد ما از هر یک از توانایی های ذهنی و هوش را نشان می دهد، توجه کنیم.

ابتدا به تعاریف مختلفی از استعداد خواهیم پرداخت، استعداد توانایی، انجام دادن یک عمل که شخص در اثر آگاهی و تجربه کسب کرده، تعریف شده است. (شعاری نژاد، ۱۳۹۱). اما طبق یک تعریف استعداد را آمادگی طبیعی یا اکتسابی برای انسجام دادن بعضی کارها می دانند. به عبارتی، وقتی افراد را در شرایط یکسان آموزشی یا دیگر موقعیت ها قرار می دهیم، بین آن ها از نظر بازده، تفاوت های می بینیم. عامل این تفاوت ها را استعداد می نامیم. (گنجی، ۱۳۹۳).

اما برای آنکه به تعریف واحدی برسیم، تعریف اجماعی کمیته علمی و فنی طرح شهاب را ملاک قرار می دهیم: «استعداد عبارت است از قابلیت و توانایی خاص در یادگیری همراه به بروز قابلیت شخصی و انجام ماهرانه تر یک کار خاص». (مجدفر و همکاران، ۱۳۹۴). در کنار استعداد آنچه که به ذهن ما خطور می کند مفهوم هوش می باشد. مفهوم هوش، اغلب در واکنش به این اندیشه که هر فردی ظرفیت ذهنی کلی دارد که می توان آن را اندازه گیری و به طور کلی بیان کرد، به بحث و گفت و گویی رایج دامن می زند. هیئت های آموزشی و شوراهای مدارس در مورد این که آزمون ها هوش مفید و منصفانه اند، تردید دارند. آنها همچنین درباره این که با استفاده از این گونه آزمون ها بتوان دانش آموزان را در کلاس ها یا سطوح خاص قرار داد، بحث می کنند؟! آلدوس هاکسلی، نویسنده انگلیسی قرن بیستم گفته است: که کودکان کنجکاو و هوش قابل توجهی دارند. وقتی هاکسلی از واژه هوش استفاده می کرد، منظورش چه بود؟ هوش یکی از ارزشمندترین قابلیت های ماست، با این حال حتی با هوش ترین افراد نتوانسته اند بر سر تعریف هوش به نظر توافق برسند. هوش بر خلاف قد، وزن و سن نمی توان مستقیماً اندازه گرفت.



بعضی از کارشناسان، هوش را با مهارت های حل مسأله می سنجدند، بعضی دیگر آن را توانایی سازگاری و یادگیری از تجارب روزانه زندگی می دانند. با ترکیب این دو اندیشه اکنون می توانیم به تعریفی نسبتاً سنتی از هوش برسیم: مهارت های حل مسأله و توانایی سازگاری و یادگیری از تجارب روزانه زندگی. ولی این تعریف گسترده نیز همه را راضی نمی کند. بعضی معتقدند که مهارت های موسیقی را باید جزئی از هوش به شمار آورد. همچنین تعریفی از هوش بر اساس نظریه ای چون نظریه «وایگوتسکی» که ممکن است شامل توانایی استفاده از ابزارهای فرهنگی به کمک افراد ماهرتر باشد چون هوش مفهومی چنین انتزاعی و گسترده است، تعجبی ندارد که تعاریف متعدد و متفاوتی از آن وجود داشته باشد. (سانتراک، مترجمان: سعیدی، عراقچی، دانش فر، ۱۳۸۷)

توجه به هوش اغلب بر تفاوت های فردی و ارزشیابی متمرکز است. تفاوت های فردی خصوصیات پایدار و استواری است که در افراد مختلف وجود دارد. ما می توانیم درباره تفاوت های فردی در شخصیت و حیطه های دیگر سخن بگوییم، ولی بیشتر به هوش توجه شده و از این جهت درباره توانایی های متفاوت دانش آموزان نتیجه گیری شده است.

### آزمون های هوش فردی:

«رابرت جی. استرنبرگ» به یاد می آورد که در کودکی از آزمون بهره هوشی (IQ) می ترسید. او می گوید که وقتی قرار بود در چنین آزمون هایی شرکت کند، به معنای واقعی توان فکر کردن را از دست می داد. «استرنبرگ» حتی در بزرگسالی از این که در کلاس ششم با کلاس پنجمی ها در آزمون بهره هوشی شرکت کرده بود، احساس حقارت می کرد. او سرانجام بر این اضطراب فایق آمد و نه تنها عملکردش در این آزمون ها بهتر شد، بلکه در سیزده سالگی آزمون بهره هوشی خود را ابداع و شروع به استفاده از آن برای ارزیابی همکلاسی هایش کرد، تا این که مدیر مدرسه به این کار پی برد و او را سرزنش کرد. «استرنبرگ» به قدری مجذوب موضوع هوش شده بود که در تمام عمر مطالعه آن را دنبال کرد.

### آزمون بینه:

در سال ۱۹۰۴، وزارت آموزش و پرورش فرانسه از آلفرد بینه، روان شناس، خواست که روشی برای شناسایی کودکانی که قادر به یادگیری در مدرسه نبودند، ابداع کند. مسئولان مدارس می خواستند از افزایش جمعیت که نتیجه جا دادن دانش آموزانی استثنایی در کلاس هایی بود که بهره ای از آنها نمی بردند، جلوگیری کنند. بینه و شاگردش، «تئوفیل سیمون» آزمون هوشی خاص خود را برای برآوردن این نیاز ابداع کردند. این آزمون که معیار ۱۹۰۵ خوانده می شود، شامل سی پرسش است که گسترده آن از توانایی لمس گوش گرفته تا توانایی استنتاج طرح از حافظه و تعریف مفاهیم انتزاعی را دربر می گیرد.



بینه مفهوم سن عقلی (MA) را مطرح کرد که سطح رشد عقلی هر فرد نسبت به دیگران است. کمی بعد، در سال ۱۹۱۲، «ویلیم

استرن» مفهوم بهره هوشی (IQ) را ابداع کرد که عبارت است از سن عقلی فرد تقسیم بر سن زمانی (CA) ضربدر ۱۰۰.

یعنی 
$$IQ = \frac{MA}{CA} \times 100$$
 اگر سن عقلی فردی با سن زمانی او برابر باشد، بهره هوشی یا هوشبهر او ۱۰۰ است و اگر سن عقلی بیشتر از سن زمانی باشد، هوشبهر بیشتر از ۱۰۰ است. برای مثال، کودکی شش ساله که سن عقلی اش هشت ساله است، هوشبهری برابر ۱۳۳ دارد. اگر سن عقلی کمتر از سن زمانی باشد، هوشبهر کمتر از ۱۰۰ خواهد بود. برای مثال کودکی شش ساله با سن عقلی پنج سال، هوشبهر ۸۳ را دارد. آزمون بینه برای هماهنگی با پیشرفت هایی که در درک هوش و آزمون هوشی حاصل شده، بارها مورد تجدید نظر قرار گرفته است. به این آزمون های تجدیدنظر شده، آزمون های استنفورد - بینه می گویند ( زیرا تجدیدنظر ها در دانشگاه استنفورد صورت گرفته است). پژوهشگران با به کار بردن آزمون استنفورد - بینه در مورد عده ی زیادی از افراد در سنین مختلف دریافته اند که نمرات آزمون استنفورد - بینه توزیعی تقریباً نرمال دارد. آزمون استنفورد - بینه در حال حاضر برای افراد بین دو سال تا بزرگسال به کار می رود. این آزمون شامل انواع پرسش است که بعضی نیاز به پاسخ های کلامی و بعضی دیگر نیاز به پاسخ های غیر کلامی دارند. برای مثال، پرسش هایی که برای نشان دادن سطح عملکرد کودک شش ساله در نظر گرفته شده، شامل توانایی کلامی در تعریف حداقل شش واژه، مانند پرتغال و پاکت، و همچنین توانایی غیر کلامی ردگیری مسیر در یک هزارتو (ماز) است. پرسش هایی که به تعیین سطح عملکرد بزرگسالی متوسط مربوط می شود، شامل تعریف واژه هایی چون نامتناسب و احترام، توصیف یک ضرب المثل و مقایسه بیکارگی و تنبلی است.

چهارمین ویرایش آزمون استنفورد - بینه در سال ۱۹۸۵ منشر شد. یکی از ملحقات مهم این ویرایش، تحلیل پاسخ های افراد از نظر چهار کارکرد استدلال کلامی، استدلال کمی، استدلال دیداری انتزاعی و حافظه کوتاه مدت است. برای نشان دادن هوش عمومی هنوز نمره ای ترکیبی و کلی در نظر گرفته می شود. آزمون استنفورد - بینه همچنان در اندازه گیری هوش دانش آموزان بیش از هر آزمون دیگری به کار می رود.

### مقیاس وکسلر:

مجموعه آزمون دیگری که برای ارزیابی هوش دانش آموزان در سطح وسیع به کار می رود، مقیاس وکسلر نام دارد که پدیده آورنده آن «دیوید وکسلر» است. این آزمون ها شامل مقیاس هوش تنظیم شده وکسلر برای دوره های پیش دبستان و دبستان (WPPSI-R) برای آزمودن کودکان چهار تا شش سال، مقیاس هوش تنظیم شده وکسلر برای کودکان (WISC-R) برای آزمودن کودکان و نوجوانان ۶ تا ۱۶ سال، و مقیاس هوش تنظیم شده وکسلر برای بزرگسالان (WAIS-R) است. مقیاس های وکسلر علاوه بر بهره هوشی کلیف بهره هوشی مربوط به عملکرد و مهارت کلامی را نیز به دست می دهد. بهره هوشی کلامی بر اساس شش زیر مقیاس کلامی و بهره هوشی عملکردی بر پنج زیر مقیاس عملکرد بنا شده اند. این آزمون ها به بررسی کننده امکان آن را می دهد که سریع تر به الگوهای قوت و ضعف در حیطه های مختلف هوش دانش آموزان دست یابد. (سانتراک، مترجمان: سعیدی، عراقچی، دانش فر، ۱۳۸۷)



ISC  
دارلده مجور  
۹۶۱۷-۱۲۸۰۲



## ادبیات و پیشینه:

در سال ۱۳۸۶ توسط هیئت امنای بنیاد ملی نخبگان این طرح به تصویب رسید و به آموزش و پرورش ابلاغ شد و پس از شکل گیری شورای راهبری طرح شهاب، سیاست های اجرایی آن تصویب و در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ در ۷ استان به صورت آزمایش اجرا شد و در سال های بعد تاکنون با حمایت های نظارتی و مالی بنیاد ملی نخبگان و توسط وزارت آموزش و پرورش در حال اجراست به عبارت دقیق تر طرح شهاب یکی از برنامه های مهم بنیاد و آموزش و پرورش جهت شناسایی و هدایت استعداد های برتر در بخش دانش آموزی است و ضرورت دارد برای اجرای بهتر طرح در سال های آینده در وزارت آموزش و پرورش نیز ردیف اعتباری معینی خاص این طرح در نظر گرفته شود. طرح شهاب که از آن به عنوان برنامه ملی شهاب یاد می شود، که بر گرفته و مخفف « طرح شناسایی و هدایت استعداد های برتر » است. با همراهی و حمایت بنیاد ملی نخبگان طراحی شده و بعد از یک دوره اجرای آزمایشی در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ و تجزیه و تحلیل نتایج اجرا، از سال تحصیلی ۹۵-۹۴ شکل سراسری به خود گرفته و قرار است به تدریج در کل دبستان های دوره دومی ابتدایی کشور (پایه های چهارم تا ششم) به اجرا در آید. در حال حاضر در سراسر دنیا، برای آموزش کودکان سرآمد، روش های گوناگونی را پیش بینی کرده اند که جداسازی، تسریع (جهش تحصیلی) و غنی سازی از جمله این روش هاست. در ایران نیز شاهد اجرای روش اول در دبیرستان های دوره اول و دوم با اختصاص آموزشگاه هایی به نام عمومی استعدادهای درخشان و نیز اعطای اجزاه جهش تحصیلی با شرایط خاص در آیین نامه امتحانات برخی از پایه های تحصیلی هستیم. ولی طرح شهاب، بیشتر ناظر بر رویکرد غنی سازی با تأکید بر استعداد (و نه هوش) است و در فاز نخست خود به دنبال تحت پوشش قرار دادن دانش آموزان سرآمد دوره ابتدایی به ویژه کودکان دوره دو ساله دوم ابتدایی است. طبق مفاد این طرح، اگر بتوانیم آگاهی ها و راه کارهایی در اختیار آموزگاران دوره ابتدایی قرار دهیم که علاوه بر غنی سازی و هدایت عام و ایجاد بستر رشد و پرورش استعداد همه کودکان حاضر در کلاس، چند کودک دارای استعداد برتر شاغل به تحصیل در کلاس خود را نیز شناسایی کنند، با تسهیلاتی آن ها را زیر چتر حمایتی بگیرند و برای هر کدام مطابق با ویژگی های و تفاوت های فردی هر یک، ویژه برنامه های آموزشی از نوع غنی سازی در نظر بگیرند، این کودکان بدون نیازه جداسازی (که در دوره ابتدایی اصلاً صلاح نیست) بی دغدغه و بدون آن که انحرافی در یادگیری ها و تربیت آنان رخ دهد، رشد خواهند کرد. طرح شهاب، به دنبال شناسایی و هدایت استعدادهای موجود در کلاس های عادی دوره ابتدایی، به ویژه پایه های چهارم تا ششم است و این، هدف والا و تأثیر گذاری است. (مجدفر و همکاران،

(۱۳۹۴)

## اهداف و فرضیه های پژوهش:

اهداف این طرح عبارتند از:

۱. پرورش استعدادهای برتر و سرآمد و ایجاد زمینه و ساز و کارهای مناسب برای رشد و بالندگی آنان به عنوان سرمایه های خدادادی و ملی.



۲. تقویت و درونی کردن هویت دینی و ملی واجدان استعدادهای برتر در دوره های تحصیلی مختلف آموزش عمومی به منظور احساس مسئولیت برای ایفای نقش سازنده در اعتلای کشور.

۳. حمایت تربیتی و معنوی دانش آموزان دارای استعداد برتر به منظور بهره مندی از توانمندی ها و قابلیت های آن ها در تعالی و پیشرفت کشور. (مجدفر و همکاران، ۱۳۹۴)

بنابراین، بر اساس تجربه های خودمان، و دیگران، شخصیت و تفاوت های فردی و تفاوت در استعداد را مورد توجه قرار دهیم. و با مطالعه روان شناسی رشد، روان شناسی یادگیری و آموزه های برگرفته از این دو زیر شاخه مهم روان شناسی بتوانیم بهتر و علمی تر در مورد و توانایی ها و یادگیری دانش آموزانمان با توجه به ۸ حوزه استعدادی اظهار نظر کنیم.

### فرضیه های پژوهش:

- مطالعه روان شناسی رشد و روان شناسی یادگیری باعث تسلط کامل معلم در مشاهده رفتار دانش آموزان می گردد.

- به علت کلی گویی برخی از گویه ها ابزار شناسایی قابل ارزیابی مطلوب و واقعی توسط آموزگاران نیست.

- استفاده از روش های فعال، خلاق و گروهی در تدریس مانع از اجرای برنامه ملی شهاب در مدارس می شود.

### روش تحقیق:

برای ارزیابی استعداد دانش آموزان که توسط آموزگار تعیین می شود من را بر آن داشت که کتاب روان شناسی رشد کودک و نوجوان و روان شناسی تربیتی را بیشتر مطالعه کنم. و بر هشت حوزه استعدادی تمرکز دقیقی داشته باشیم و شخصاً به این باور عقلی برسیم که هشت استعداد در برنامه ملی شهاب برگرفته از هشت حوزه استعدادی «هاوارد گاردنر» می باشد که شامل: مهارت کلامی، ریاضی، فضایی، حسی - حرکتی جسمانی، موسیقی، درون فردی، بین فردی، طبیعت گرایانه است. بنابراین، شناخت و مطالعه دقیق تفاوت های فردی پایه و اساس برنامه ملی شهاب می باشد. پس برای دقیق تر بودن کار و اجرای صحیح برنامه ملی شهاب در پایه ی چهارم ابتدایی در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ تصمیم گرفتیم با توجه به ۸ حوزه استعدادی که هر کدام ۱۰ گویه یا (گزاره ها) را شامل می شوند. هدفهای رفتاری پیش از تدریس را تهیه و تنظیم کنیم. چون به نظر بنده در گویه ها کمی کلی گویی دیده می شود و این عمل مشاهده را سخت تر می کند. برای گویه ها هدف های رفتاری پیش از تدریس با توجه به کتب کلاس چهارم تهیه نمودم و این امر باعث شد که از گویه ها به راحتی رد نشویم و در مشاهده رفتار دانش آموزان از جنبه تربیتی و آموزشی دقیق تر شویم. بر گه مقیاس ارزیابی دانش آموزان که بر اساس مقیاس چهار شماره ای به آنها نمره می دهیم، بایستی شماره ای انتخاب کنیم که بیشتر از بقیه با مشخصات آن حوزه استعدادی دانش آموزان



مطابقت کند. ۱: کاملاً مخالف ام. ۲: مخالف ام، ۳: موافق ام، ۴: کاملاً موافق ام. را بر پایه علم روان شناسی تفاوت های فردی علامت زده ام. و در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ با علم بر اینکه برنامه ملی شهاب در دست اجرا می باشد مطالعه و مشاهده خویش را بر روی دانش آموزان با همان دید قبلی نسبت به طرح شهاب انجام دادم.

### نظریه های هوش چندگانه:

آیا باید هوش دانش آموز را نوعی توانایی کلی در نظر بگیریم یا مجموعه ای از توانایی های مجزا؟ بینه و استرن هر دو بر مفهوم هوش عمومی، که استرن آن را بهره هوشی می خواند، تمرکز داشتند. و کسلر معتقد بود که توصیف بهره هوشی و نیز هوش های مشخص کلامی و عملکردی هم ممکن و هم مهم است. نظریه او متکی بر اندیشه «چارلز اسپیرمن» بود که می گفت افراد هم هوش عمومی دارند، که آن را g می خواند، و هم انواع مشخصی از هوش که آنها را s می خواند در دهه ۱۹۳۰، «ال. ال. توستون» می گفت که هر کسی هفت توانایی فکری مشخص زیر را دارد، که آنها را توانایی های اولیه نام گذاشته بود: درک کلامی، توانایی عددی، روانی کلام، تجسم فضایی، حافظه متداعی، استدلال و سرعت ادراک. پس از آن جست و جو به دنبال انواع مشخص هوش بالا گرفت. (سانتراک، مترجمان: سعیدی، عراقچی، دانش فر، ۱۳۸۷).

### هشت ساختار ذهنی (نوع هوش) گاردنر:

هاوارد گاردنر (۱۹۸۳، ۱۹۹۳، ۲۰۰۲) معتقد است که چند نوع مشخص هوش یا ساختار ذهنی وجود دارد. این انواع همراه با مثال هایی از کارهایی که نماینگر قوت آنهاست، در اینجا شرح داده می شود:

مهارت کلامی: توانایی فکر کردن با استفاده از واژه ها و به کار بردن زمان برای بیان معنا (نویسندگان، خبرنگاران، سخنرانان)

مهارت ریاضی: توانایی انجام دادن عملیات ریاضی (دانشمندان، مهندسان، حسابداران)

مهارت فضایی: توانایی تجسم سه بعدی (معماریها، نقاش ها، مجسمه سازها، دریانوردها)

مهارت های حسی - حرکتی: توانایی کار کردن با اشیا و قابلیت جسمانی (جراح ها، صنعتگرها، رقصنده ها، ورزشکارها)

مهارت های موسیقی: حساسیت به زیر و بمی صدا، ملودی، ضرباهنگ، و غیره (آهنگسازها، نوازندگان و شنونده های حساس)

مهارت های درون فردی: توانایی درک خود و اداره موفق زندگی شخصی (عالمان دینی، روانشناسان)

مهارت های بین فردی: توانایی درک و تعامل کارساز با دیگران (معلم های موفق، متخصصان بهداشت روانی)



مهارت های طبیعت گرایانه: توانایی مشاهده الگوها در طبیعت و درک نظام های طبیعی و ساخته دست بشر (کشاورزها، گیاه

شناس ها، بوم شناس ها، باغبان ها)

گاردنر معتقد است که هر یک از اشکال هوش ممکن است بر اثر صدمه مغزی با الگوی خاص از بین برود، که هر یک مستلزم مهارت های شناختی خاص است و هر یک خود را به نحوی منحصر به فرد هم در افراد تیز هوش و هم در عقب افتاده های هوشمندنا (افرادی که عقب افتادگی ذهنی دارند، ولی در حیطه ای خاص مانند نقاشی، موسیقی یا محاسبات عددی دارای استعدادی خاص اند) نشان می دهد. گاردنر با این که حامی مدل آموزشی خود است، اذعان دارد که ممکن است از این رویکرد سوءبرداشت هایی نیز بشود. در زیر چند هشدار می دهیم که گاردنر درباره استفاده از رویکردش بیان کرده است، می آید: دلیلی وجود ندارد که فرض کنیم هر کسی را می توان در هر هشت جنبه هوش آموزش داد. کوشش در این راه تلف کردن وقت و انرژی است. فکر نکنید که در نظر گرفتن تنها یک هوش کافی است. برای مثال، در مورد مهارت های حسی - حرکتی - جسمانی، حرکات اتفاقی ماهیچه ربطی به مهارت های شناختی کشاورزی ندارد. هنگامی که کودکان فعالیتی را که مرتبط با نوعی هوش است، انجام می دهند، این اعتقاد که به کار بردن فعالیتی مرتبط با نوع دیگری از هوش در پس زمینه مفید خواهد بود منطقی نیست. برای مثال، گاردنر معتقد است که پخش کردن موسیقی، هنگامی که دانش آموزان مشغول حل مسأله ریاضی اند، استفاده غلط از نظریه اوست. (سانتراک، مترجمان: سعیدی، عراقچی، دانش فر، ۱۳۸۷).

بنابراین، آنچه که در برنامه ملی شهاب اهمیت بسزایی دارد شناسایی و هدایت استعداد برتر تک تک دانش آموزان است. بدین منظور در هفته چهارم مهر جلسات آموزشی طرح شهاب گذاشته شد تا معلم بتواند مشاهده صحیح داشته باشد و در مورد مقیاس ارزیابی استعداد دانش آموزان دقیق تر گویه ها را علامت بزند. در این راستا، به تاریخ ۱۳۹۵/۰۸/۲۳ برگه مقیاس ارزیابی استعداد دانش آموزان آهسته و پیوسته تکمیل گردید. و تا پایان نیمه دوم بهمن ادامه داشت. در طی زمان مشخص (اواخر مهر تا اواخر بهمن) در کنار مشاهده رفتار تربیتی - درسی آموزگار پایه ی چهارم تکالیف استعدادی که با توجه به موضوعات درسی کتاب چهارم بوده به دانش آموزان داده و در کلاس به صورت انفرادی حل می کردند، پاسخ دادن به تکالیف استعدادی به منظور شناسایی بهتر در امر استعداد بوده است نه به منظور داشتن استعداد در آن حوزه، از طرفی به معلم کمک می کند تفاوت های فردی دانش آموزان را در قالب تکالیف استعدادی بهتر بسنجد. با اجرای برنامه ملی شهاب به آموزگار پایه ی چهارم در روند تدریس در کلاس خیلی کمک کرده است. میزان یادگیری دانش آموزان به موازات تفاوت های فردی شان بهتر و دقیق تر می سنجمیم و در کلاس ۸ استعداد برنامه ملی شهاب را مدام در ذهنمان مرور می کنیم که باعث تسلط معلم بر فرآیند آموزشی - تربیتی می شود.

با توجه به مطالبی که تا بدین جا مطرح شد نکته مهم دیگر این است که، محوریت معلم و انجام شناسایی در محیط مدرسه بدین معناست که کشف و شناسایی دانش آموزان مستعد در این طرح، بر اساس امتحانات و ارزیابی های خارج از مدرسه انجام نخواهد شد، بلکه ارزشیابی مستمر، فرآیندی و مستند معلمان و عوامل آموزشی و پرورشی از دانش آموزان بر اساس مولفه های مدنظر و هم چنین

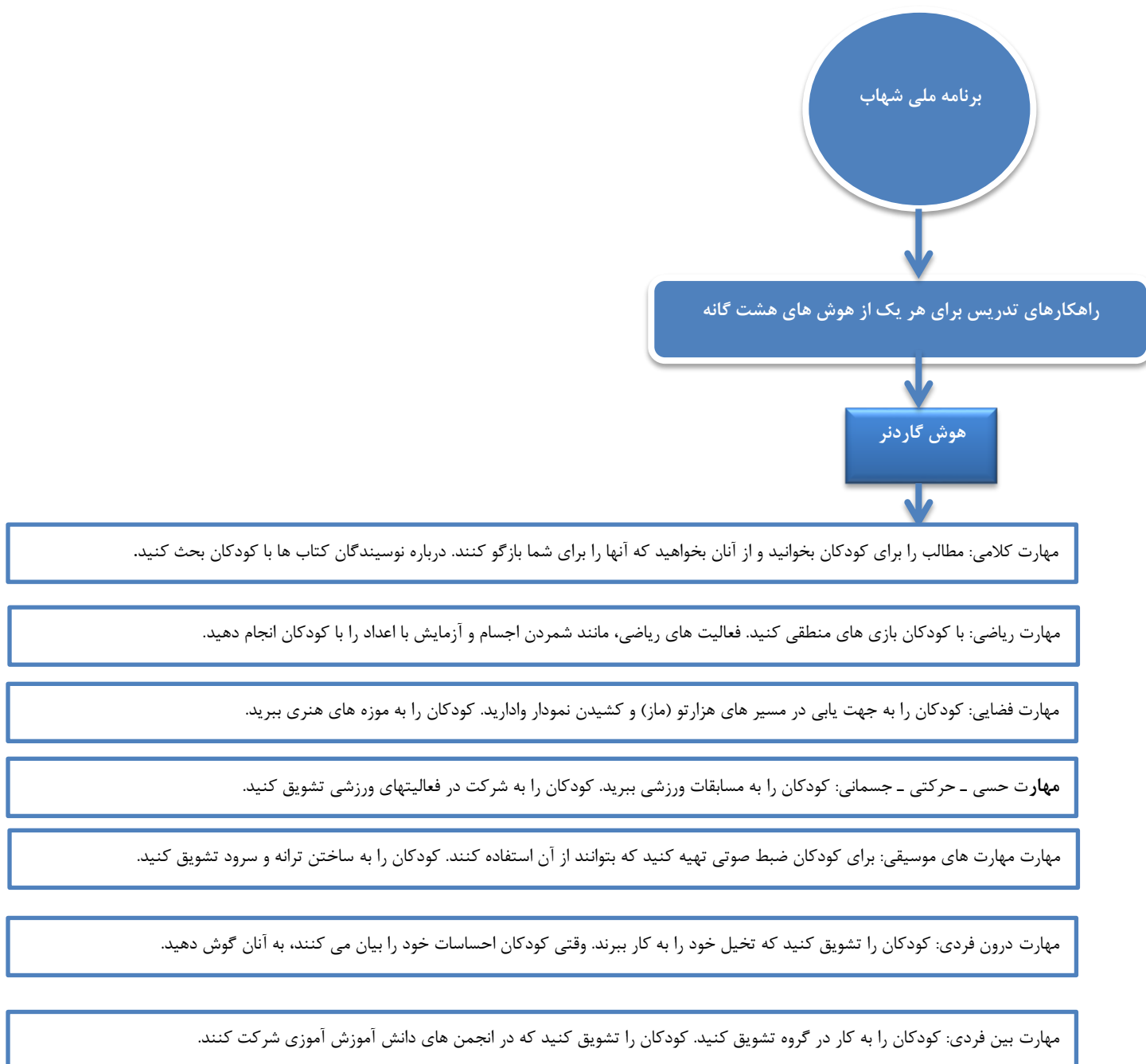




استفاده از ابزارهای متنوع و چندگانه، جایگزین آزمون های مقطعی سنجش هوش و استعداد می شود و این مسئله به ارزشیابی اعتبار بیشتری می دهد.

### یافته های پژوهشی:

تمام تلاشمان را کردیم تا برنامه ملی شهاب را در کلاس های درسمان به نحوه مطلوب اجرا نماییم. البته نه به عنوان کار اضافی، بلکه به عنوان مکمل تدریس و اثر بخشی بیشتر آموزشی برای دانش آموزانمان. بدین منظور راهکارهای تدریس برای هر یک از هشت حوزه استعدادی هاوارد گاردنر را مورد بررسی قرار می دهیم. در برنامه ملی شهاب که بر اساس هوش هشت گانه گاردنر بوده که منجر به انجام دادن مهارت ها و توجه به آنها در کلاس شد. که به صورت نمودار زیر نشان داده می شود.





مهارت طبیعت گرایانه: کودکان را در فعالیت های طبیعت گرایانه در هوای آزاد، مانند پیاده روی در طبیعت یا انتخاب یک درخت برای مراقبت، درگیر کنید.

### افزایش هوش های چندگانه:

گاردنر در سال ۱۹۹۹ دو نوع دیگر هوش یعنی هوش طبیعت گرایی و هوش هستی گرایی (معنوی) را مطرح کرد. هوش طبیعت گرایی، سبب می شود که شخص بتواند پدیده های طبیعت را بشناسد، آنها را طبقه بندی کند. و هوش هستی گرایی، شامل حساسیت و استعداد برای درگیر شدن با پرسش های عمیق درباره ی هستی انسان، مانند معمای زندگی، مفهوم مرگ و زندگی و پدیده آبی انسان در عرصه حیات و چرایی هستی است. (سانتراک، مترجمان: سعیدی، عراقچی، دانش فر، ۱۳۸۷).

### بحث و نتیجه گیری:

در دوران ابتدایی که آغاز فرایند اجتماعی شدن و پذیرش آموزش های عمومی است. استعداد پایه و عمومی افراد از تظاهراتی را به نمایش می گذارند که در مورد استعداد های برتر، این نشانه ها نمود بیشتر و متمایز کننده ای دارند. بنا به گفته اکثر روان شناسان، از ۱۰ سالگی تثبیت شخصیت و رفتار در کودکان اتفاق می افتد. هر چند با توجه به ناپختگی شخصیت در این دوره سنی و نیز تغییرات محتمل در طی فرایند رشد در سال های بعد احتمال تغییر در میزان و نوع استعداد و توانایی ها قابل توجه است. بنابراین، در برنامه ملی شهاب محوریت اصلی با معلم می باشد. معلم است که طرح شهاب را با دید وسیع تر و علمی تری مورد بررسی قرار می دهد. آموزگار در حین تدریس باید بداند که برنامه ملی شهاب به دنبال چه چیزی می باشد؟ وقتی معلم بررسی همزمان هوش، استعداد، ویژگی های شخصیتی در دانش آموزان را بدون هیچ گونه قصد و غرضی مورد توجه و مطالعه قرار دهد در واقع اصل برنامه ملی شهاب را رصد کرده است. آگاهی کم همکاران نسبت به مسایل روانشناسی کودک، حوزه های استعدادی و هوش و... باعث می شود مشاهده صحیح و اصولی برنامه ملی شهاب به صورت دقیق پیش نرود. از طرفی تراکم بالای آمار دانش آموزان شدت بی توجهی همکاران را در برنامه ملی شهاب بیشتر می کند. در مقابل هستند همکارانی که در حین تدریس از روشهای فعال، خلاق و گروهی استفاده می کنند و از دانش آموزان تحقیق های علمی، هنری متناسب با سن و استعدادشان را بخواهند. بهر حال، آنچه که کتب روان شناسی تربیتی و رشد به ما یادآور می شود این است که از به کار بردن بر چسب های پایین، متوسط و بالا برای گروه ها پرهیز کنیم و در نظر داشته باشیم که تمام دانش آموزان ما دارای توانایی و استعداد خاص خودشان هستند. مقصود از استعداد در برنامه ملی شهاب، استعداد تحصیلی و تیز هوشی نیست، بلکه توانایی برجسته در هر یک از حوزه های استعدادی متنوع (استعداد کلامی، ریاضی، منطقی، فضایی، حرکتی - جسمی و...) است و در کنار آن ویژگی هایی چون خلاقیت، علاقه شخصی، پشتکار و جست و جو گری نیز مورد توجه و رصد قرار خواهد گرفت.



### پیشنهادات:

برای شروع مناسب و کیفی، منطقی بهتر است که بعد گسترده اجرای طرح در زمان بیشتری انجام شود تا معلم بتواند مشاهده بر روی رفتار دانش آموزان از منظر درسی - تربیتی به صورت اصولی و دقیق انجام دهد. گذاشتن جلسات توجیهی برای همکاران، به منظور آمادگی و داشتن تسلط بیشتر برای اجرای صحیح این طرح و توجه به رفتارهای دانش آموزان و ایجاد یک رابطه صمیمی و دوستانه با دانش آموزان تا بتوانیم با نوع رفتارها و باورهای دانش آموزان بیشتر آشنا شویم، توجه خاص و دقیق به تفاوت های فردی دانش آموزان به خاطر این که بدانیم دانش آموزان در نوع یادگیری با یک دیگر متفاوتند به درک درستی از تفاوتها برسیم. گذاشتن جلسات توجیهی برای اولیا و درک صحیح از برنامه ملی شهاب و... به معلم که به عنوان مجری اجرای طرح شهاب می باشد کمک شایانی می کند. به امید آنکه در برنامه ملی شهاب تک تک دانش آموزان دیده شوند و در مشاهده رفتار دانش آموزان مسأله تفاوت های فردی با دقت بیشتری مورد مطالعه و توجه قرار گیرد.

### منابع:

- اتکینسون، ریتالال و ریچارد سی و اسمیت، ادوارد ای و بم، داریل جی و هوکسما، سوزان نولن، ۱۳۸۷، زمینه روان شناسی هیلگارد، (ترجمه محمد نقی براهنی و دیگران، تهران)، انتشارات رشد
- پرینگل، میاکلمر، ، ۱۳۸۶، نیازهای کودکان دورنمای فردی، (ترجمه ایجاد، نیره، شافعی مقدم، جواد)، چاپ دوم، تهران، انتشارات رشد
- سانتراک، جان دبلیو، ، ۱۳۸۷، روان شناسی تربیتی، (ترجمه دانش فر، حسین، سعیدی، شاهده، عراقچی، مهشید)، چاپ اول، تهران، انتشارات رسا
- شعاری نژاد، علی اکبر، ، ۱۳۹۱، فرهنگ توصیفی علوم رفتاری شناختی، تهران، انتشارات اطلاعات
- شلکتون، ویویان و فلچر، کلیو، ، ۱۳۷۴، تفاوت های فردی، (ترجمه یوسف کریمی و فرهاد جمهری)، تهران، انتشارات فاطمی
- گروهی از مولفان زیر نظر گیلز، بریجت، ، ۱۳۹۱، روان شناسی رشد، (ترجمه مهری نژاد، سید ابوالقاسم، پورجهان، پریسا)، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
- گنجی، حمزه، ، ۱۳۹۳، روان شناسی تفاوت های فردی، تهران، نشر ساوالان
- دکتر مجد فر، مرتضی، اصلانی، ابراهیم و دکتر سلیقه دار، لیلا، سال ۱۳۹۴، دست نامه شهاب، چاپ اول، تهران، انتشارات

مدرسه